

صدور فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی را می توان منشأ تحول اساسی در بسیج دانست زیرا با صدور این فرمان، حضور مردم و مشارکت آنان در سرنوشت اجتماعی جامعه خویش تثبیت می شود. این حضور گسترده که در انقلابات دنیا جایگاهی ندارد و چه بسا با مردم و انقلابیونی که در سرنوشت خود احساس مسئولیت کنند، برخورد شود، در این اندیشه حضور مردم ارزش والایی دارد. به همین جهت است که اندکی پس از صدور فرمان، گروه گروه از اقدار مردم به سوی ستاد بسیج می روند، ثبت نام می کنند، آموزش می بینند، سازماندهی می شوند و آماده بکارگیری هستند، تعداد کسانی که پس از فرمان امام (ره) برای بسیج شدن مراجعه کردند بالغ بر یک میلیون نفر، در همان ماه اول بر آورد شده است، بنحوی که دست اندرکاران امر بسیج توان ثبت نام و پاسخگویی به ارباب رجوع را نداشته اند و مدت ها در انتظار کلاس آموزش سلاح بسر بردند تا به دستور رهبری بسیج، عمل نمایند.

روند حرکت بسیج از صدور فرمان تا آغاز جنگ تحمیلی نشان می دهد در جهت آموزش و سازماندهی بسیجیان اقدام نموده است که با داشتن متولیان متعدد و ناهماهنگ، در تحقق ارتش بیست میلیونی گام های اساسی بر داشته نشد، جریان سازی های موازی و برداشت های غیر اصولی از متن پیام و فرمان رهبر بسیج، مانع اصلی تحقق ارتش بیست میلیونی در این دوره به حساب می آید.

شروع جنگ تحمیلی فرازی در حرکت منطقی بسیج بوجود آورد تا علاوه بر آموزش و سازماندهی، بستر بکارگیری و مانور واقعی بسیجیان را فراهم سازد. کارکرد بسیج در دوره قبل که بیش تر جنبه آمادگی و حضور داشت با آغاز جنگ تحمیلی تحولی بوجود آمد و صحنه آمادگی به صحنه بکارگیری و عملیاتی شدن تبدیل گشت ولی این بکارگیری احتیاج به آموزش جدید و سازماندهی دیگری داشت که با آموزش و سازماندهی دوره پیشین متفاوت بود.

آنچه که در این دوره مورد توجه قرار می گیرد، اینکه، بسیجیان جنگجو و رزمنده از مرجعی که اعزام می شدند، در مناطقی از جبهه جنگ سازماندهی می شدند و به طور ناهماهنگ و مجزی طرح ریزی و اجرایی عملیات را به انجام می رساندند، به طوری که ناهماهنگی بسیج سازی مردم، در صحنه عمل و بکارگیری نیز تداوم داشت. این ناهماهنگی بیش تر بین جریان دوم و سوم بسیج بوجود می آید، اما مدت کوتاهی دوام داشت و بلافاصله، مسئله جنگ توانست بسیج را یکپارچه نماید.

“ در اینجا ببینید این واقعیت های جامعه کار را اینجور کرد، قبلش که جنگ نبود، تشکیل شده بود، توی روستا ها کارش را شروع کرده بود، کمیته ها کارشان را توی شهر ها انجام می دادند، هر جایی یک کاری داشت. این بسیج، خیلی، زمینه عملیاتی نداشت و بیش تر تفکرات سیاسی حاکم بود، یک جور تحزب بود، هرکسی فکری می کرد. آنکه توی اختلافات می بینید این بود.

وقتی که بسیج پایش به جنگ باز شد، جنگ شرایطی نبود که همه بخواهند آنرا لقمه لقمه کنند برای خودشان، حتی گروه هایی مثل فدائیان اسلام و این ها بودند، به تدریج ادغام شدند، آقای دک تر چمران گروه هایی مردمی داشتند که می جنگیدند، نمی شد آنها را از میدان حذف کرد، خوب می خواستند بجنگند، به تدریج آن ها را ادغام کردیم. عملاً واقعیت میدان آن جنگ، نیرو های مخلص انقلاب، توی آن جنگ می رفتند، آن همان بسیجی بود. که امام تشکیل داده بود بقیه دعوا های سیاسی بود و نمی توانست ادامه پیدا کند و قانون هم تکلیف همه را یکسره کرد. ” (مصاحبه با آیه الله هاشمی رفسنجانی)

در سیر حرکت تکوینی بسیج به مرحله ای دیگر رسیدیم که خود تحولی اساسی در سرنوشت بسیج بوجود آورد و آن قانونمند شدن بسیج بود که بسیج های مختلف و جریان های متعدد بسیج، تحت عنوان واحد بسیج شناخته شدند و هدایت و اداره آن به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گذاشته شد. این مقطع که با شروع جنگ فاصله بسیار کمی دارد. آغاز دوره ای از بسیج است که خواستگاه رهبر بسیج می باشد، یعنی از این زمان بسیج در مسیری حرکت می کند که مورد نظر و خواست امام (ره) می باشد، با تشکیل واحد بسیج در سپاه، بسیج واحد می شود و از ناهماهنگی و چند پارچگی خارج می شود و در نتیجه بسیج یکپارچه در واحد بسیج سپاه ظهور و بروز می کند.

تغییر دیگری که در این دوره از عمر بسیج بوجود آمد این است که پس از ادغام سازمان های آمادگی بسیج غیر نظامی و دفاع غیر نظامی کشور در سازمان بسیج ملی (سازمان بسیج مستضعفین) که در مورخ ۵۹/۴/۴ از سوی شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، در عمل ادغام بصورت ناقص صورت گرفت یعنی ساختمان های این سه سازمان و نهاد، در یک جا استقرار یافت ولی در فعالیت ها، هر یک از آن ها به طور نسبتاً مستقل عمل می کردند که با تشکیل واحد بسیج سپاه، و تلاش برای اعزام بسیجیان به جنگ، فعالیت های غیر نظامی بسیار کم رنگ شده است جذب، آموزش و اعزام به جبهه محوری ترین فعالیت به حساب می آید.

دوره اول عمر بسیج که پس از پیروزی انقلاب تا صدور فرمان امام (ره) در ۵/۹/۵۸ ادامه می‌یابد دوره غیر رسمی است. یعنی سازمان بسیج يك سازمان رسمي نیست و تشکیلات رسمي و شناخته شده اي در کشور ندارد.

دوره دوم که از صدور فرمان آغاز می‌شود، دوره شکل‌گیری و رسمیت بسیج است. یعنی سازمان بسیج حالت رسمي به خود می‌گیرد و تشکیلات و سلسله مراتب سازمانی آن، از سوی دولت، مردم و نهاد های قانونی به رسمیت شناخته می‌شود. این دوره تا دي ماه ۱۳۵۹ استمرار می‌یابد.

دوره سوم عمر بسیج، دوره ای است که با مسئولیت‌پذیری سپاه در امر بسیج شروع می‌شود و از تصویب مجلس شورای اسلامی می‌گذرد که آغاز روند تکاملی بسیج به حساب می‌آید. در آغاز این دوره، واحد بسیج سپاه با تشکیل رسمي پایگاه های مقاومت و گروه های مقاومت بسیج، تلاش می‌کند تا نیرو های مورد نیاز جبهه را تأمین نماید. البته شاید نتوان به طور دقیق خطی بین واحد بسیج پس از تصویب ادغام و سازمان بسیج قبل از ادغام رسم کرد، زیرا قبل از ادغام و واگذاری مسئولیت سپاه، فرماندهان سپاه در راه اندازی، آموزش و سازماندهی بسیجیان اهتمام داشتند و با شروع جنگ تحمیلی، انگیزه بیشتری برای فرماندهان سپاه بوجود آمد تا نیرو ها را بسیج نمایند، ولی در عین حال ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغاز دوره جدیدی از عمر بسیج است که می‌توان دوره تکامل بسیج نامگذاری کرد. یعنی دوره هشت ساله جنگ تحمیلی دوره ای است که بسیج از رشد دائمی برخوردار می‌شود و به عنوان يك فرهنگ مستقل با ویژگی های متفاوت از فرهنگ عمومی کشور شناخته می‌شود که به آن فرهنگ ارزشی می‌نامیم.

قبل از پرداختن به مراحل تکاملی و توسعه ای این دوره، به تر است با دوره شکل‌گیری و آغازین بسیج آشنایی بیشتری پیدا کنیم که مربوط به مقطع خاصی از عمر بسیج است که شامل دوره رسمي سازی و اوایل دوره توسعه ای بسیج است. یعنی از آذرماه سال ۵۸ تا اوایل سال ۱۳۶۰ (حدود ۱۸ ماه) ادامه می‌یابد.

نحوه شکل‌گیری بسیج، از صدور فرمان امام (ره) تا اوایل سال ۱۳۶۰، در سراسر کشور یکسان نبوده است، زیرا مرکزیت اداره، هدایت و برنامه ریزی بسیج وجود نداشت تا براساس آن تمامی استان ها به يك شیوه عمل نمایند، بنابراین هر يك از استان ها و حتی شهرستان ها با ابتکار و خلاقیت بومی و فردي، بسیج را تشکیل داده و در امر سازماندهی آنان تلاش می‌کردند.

علاوه بر درگیر بودن بسیج در امر بسیج، فعالیت های دیگری انجام می‌دادند که بیش تر در جهت برقراری امنیت شهر ها و همکاری با نیرو های انتظامی و امنیتی بوده است. علاوه اینکه در برخی از نقاط، جبهه دیگری علیه انقلاب اسلامی باز شده بود و خطراتی داخل کشور را تهدید می‌کرد که به جبهه دوم موسوم است. در رأس مناطق نا امن، می‌توان کردستان را مثال زد که ریشه های ناامنی آن به سال های قبل از انقلاب اسلامی بر می‌گردد که با پیروزی انقلاب اسلامی، ناامنی تشدید شده است.

امنیت تهران بدلیل حساسیت جغرافیایی و سیاسی (ژئوپلیتیک) و دارا بودن مسائل استراتژیکی بسیار حائز اهمیت بوده است و نقش بسیج در برقراری امنیت برای همگان روشن است. عملکرد بسیج در مرکزیت کشور به ویژه با شروع جنگ تحمیلی نشان از موفقیت چشمگیر این نهاد نوپای انقلاب و مردمی می‌دهد. به گونه ای که اگر نبود حضور و آمادگی اعضای بسیج در عرصه تأمین شهر تهران، هر لحظه خطر عوامل داخلی و گروه های مسلح سر سپرده به استکبار و آمریکایی جنایتکار زمینه تزلزل حاکمیت را فراهم می‌نمود. مجله دو هفته نامه پیام انقلاب در شماره دي ماه ۱۳۵۹ در صفحات ۷۹ الی ۸۱ آورده است:

گذشته از نیرو های آموزش دیده ای که تاکنون از سوی واحد بسیج به مناطق غرب و جنوب کشور اعزام گردیده اند واحد بسیج در همان هفته اول از شروع جنگ، فعالیت ویژه ای را در رابطه با ستاد امنیت تهران به منصفه عمل در آورد که از آن جمله است:

۱- برقراری حالت آماده باش کامل در نیرو های آموزش دیده و سازمان یافته ارتش بیست میلیونی و جمع آوری آمار مربوطه در هر شب طبق آمار موجود در هر شب، به طور متوسط بیست هزار نفر از افراد آموزش دیده در پایگاه ها و دفاتر بسیج در آمادگی کامل بسر می‌برند.

۲- تهیه لیست مراکز حساس موجود در تهران

۳- حفاظت از برخی از نقاط حساس که از اهمیت ویژه ای برخوردارند از قبیل منابع آب، نیروگاه های برق، سیلو و ...

۴- اعزام حدود ۴۰ تیم کشتی برای سرزدن به مراکز حساس دیگر با هماهنگی کمیته ها

۵- همکاری موثر با ستاد امنیت تهران و قبول مسئولیت پشتیبانی از نیرو های انتظامی کمیته ها و شهرداری

۶- اعزام ۴ نیروی متخصص در امور بایگانی برای ستاد امنیت تهران

۷- اعزام ۸۰ نفر از اعضای ارتش بیست میلیونی به استانداری تهران جهت تهیه و تنظیم کارت توزیع بنزین وانت بارها.

۸- تشکیل يك کمیته ۸۰ نفری از اعضای بسیج برای جمع آوری شایعات و تنظیم گزارشات مربوطه.

- ۹- اعزام ۶۰ نفر از اعضای بسیج به کمیته مرکزی جهت همکاری در کنترل توزیع بنزین طبق درخواست کمیته مرکزی
- ۱۰- اعزام ۴ نفر نیرو برای حفاظت از دفتر تبلیغات امام در شهرک غرب تهران طبق درخواست دفتر تبلیغات امام
- ۱۱- اسکان دادن افراد جنگ زده خوزستان در مساجد تهران و تهیه آذوقه برای آنان در حد امکان طبق دستور ستاد امنیت تهران.
- ۱۲- جلوگیری از حرکت خودروها در مواقع وضعیت قرمز.
- ۱۳- بسیج گروه‌های مقاومت برای خاموشی منازل و محل‌ها بعد از وصل شدن جریان برق با هماهنگی استانداری تهران، ستاد ویژه وزارت نیرو کمیته‌های انقلاب.
- ۱۴- جمع‌آوری لاشه هواپیماهای سرنگون شده در اولین شب مانور هوایی.
- ۱۵- دستگیری تعدادی از افراد ضد انقلاب و معرفی آنان به کمیته مرکزی.
- ۱۶- تهیه لیست افراد ذخیره سپاه جهت عزیمت به غرب کشور.
- بسیج تهران بنابر ضرورت‌های انقلابی در یک سری امور جانبی دیگر فعالیت داشته که از آن جمله است:
- ۱- تنظیم برنامه‌های حفاظتی بمنظور استفاده از نیروهای بسیج در پاسداری و گشت شبانه، حفاظت از مراکز حساس و نیز کنترل عبور و مرور در مدخل‌های شهر تهران، در جریان توطئه نافرجام کودتا، بسیج توانست ظرف مدت ۲ ساعت، تعداد زیادی از نیروهای خود را بدون استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تنها از طریق شبکه ارتباطی خویش در نقاط مختلف تهران مستقر سازد.
 - ۲- مبارزه با شایعه پراکنی و ایادی ستون پنجم دشمن از طریق تشکیل تیم‌های اطلاعاتی جهت انعکاس هر گونه توطئه یا عمل ضد انقلابی به مقامات مسئول.
 - ۳- تنظیم برنامه‌های جهت شرکت برادران و خواهران عضو گروه‌های مقاومت در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی از قبیل همکاری با جهاد سازندگی جهت تأمین نیرو.
 - ۴- احداث میدانی موانع در مناطق هشتگانه جنگ (تهران).
 - ۵- شناسایی و معرفی افراد مومن، با استعداد، مبتکر و مخترع به واحد ارزیابی سپاه.
 - ۶- معرفی تعدادی از برادران عضو بسیج به نخست‌وزیری جهت همکاری در فعالیت‌های ستاد بسیج اقتصادی
 - ۷- برگزاری کلاس‌های تعلیم‌شنا در ورزشگاه آزادی با همکاری جهاد دانشگاهی و دانشگاه علوم تربیت بدنی
 - ۸- تربیت و تشویق شرکت برادران و خواهران بسیج در نمازهای جمعه و قبول مسئولیت انتظامات آن.
 - ۹- ایجاد ارتباط با وزارت بهداری جهت شرکت تعدادی از خواهران و برادران بسیج در فعالیت‌های مربوط به کمک‌های اولیه و نیز تربیت مربی جهت کلاس‌های آموزشی مربوط به امداد و کمک‌های اولیه.
 - ۱۰- برپایی اردوهای آموزشی کوچک در مناطق هشتگانه تهران به منظور تداوم آموزش و تحکیم سازماندهی گروه‌های مقاومت.
 - ۱۱- شرکت مؤثر افراد بسیج در برنامه‌های تقسیم ارزاق عمومی در رابطه با بسیج اقتصادی.
 - ۱۲- کمک به ستاد پشتیبانی مناطق جنگی از طریق جمع‌آوری و ارسال کمک‌های مردم.
 - ۱۳- اعزام چند نفر رابط به جبهه‌های جنگ به منظور کسب اخبار در خصوص اوضاع و مشکلات افراد اعزامی بسیج به جبهه.
 - ۱۴- کشف چند خانه تیمی از عناصر ضد انقلاب و گروه‌های وابسته.
 - ۱۵- مبارزه محدود با قاچاق مواد مخدر، این مسئولیت به علت عوامل چندی بعد از بسیج حذف گردید و گروه‌های مقاومت دیگر تنها می‌توانستند در زمینه شناسایی موارد قاچاق مسئولین امر را یاری دهند.
- واحد بسیج سپاه در سال ۱۳۶۰ از نظر ساختار و تشکیلات و فعالیت‌ها کامل‌تر شد، به طوری که علاوه بر آموزش و سازماندهی که مأموریت اصلی بسیج به حساب می‌آمد و اعزام نیرو به جبهه که قسمت اعزام نیرو یا پرسنلی را راه‌اندازی کرده بود، در این سال دارای قسمت‌های دیگری شده است که حجه الاسلام سالک مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این مقطع می‌گوید:
- “یک مسئول در رأس واحد بسیج مستضعفین و بعد از آن قائم‌مقامی وجود دارد و بعد شورائی و بخش‌هایی که فعالیت می‌کنند. از جمله دفتر تبلیغات، تدارکات، سازماندهی و عملیات، آموزش، پرسنلی و امور پاسداران که کلاً در پوشش یک شورا فعالیت خودشان را ادامه می‌دهند. قسمت‌های دیگری هم داریم از قبیل بخش عشایری، بخش روستایی، بخش دانش‌آموزی، بخش کارگری، بخش شهری (بسیج شهری) و بسیج خواهران که کلاً این قسمت‌ها هم زیر پوشش همان شورائی فرماندهی بسیج به فعالیت می‌پردازند. قسمتی از بخش‌های مختلف تشکیل شده و قسمتی هم هنوز تشکیل نشده ولی فعالیت‌هایی در سطح کشور دارند.” (روزنامه اطلاعات - ۶۰/۱۱/۵)

وي مي افزايد: از ابتدای تشکيل بسیج مستضعفين که روز ۵ آذر ۵۸ بود تا الان با همکاری و هماهنگی برادران ارتشی، توانستیم در سطح کل کشور، حدود دو میلیون نفر را آموزش دهیم. اقدامات حفاظتی و پشتیبانی از نیرو های نظامی فعالیت های دیگر بسیج است که از جمله حفاظت از صندوق های رأی که شرکت فعالانه برادران ما در انتخابات بوده و مادر تاریخ ۶۰/۶/۱۰ در تهران ۲۱۲۴۰ نفر نیرو سازماندهی کرده ایم. و این رقم بالایی است. همچنین در مشهد ۶۴۰۰ نفر و در شهر های مختلف هم متناسب با رشد آن شهر سازماندهی شده اند. در روند حرکت بسیج که از ستاد ملی آغاز گردید و با ادغام سازمان آمادگی ملی و دفاع غیر نظامی و همچنین نفوذ عناصر وابسته به گروه های لیبرال و ملی گرا، آسیب جدی بر واحد بسیج مستضعفين، مسئله نیرو های نفوذی بود که در طی سال ۶۰ تصفیه و تزکیه شده اند. مسئول بسیج اظهار می دارد:

“ اصولاً از زمانی که ما مسئولیت بسیج را بعد از ادغام (با سپاه) پذیرفتیم، به طور کلی ۳ کار عمده انجام گرفت: یکی از اینکار ها تصفیه و تزکیه نیرو های نفوذی بود که در زمان گذشته تا قبل از ادغام بسیج در سپاه، وارد بسیج شده بودند و علتش هم این بود که بسیج چون مردمی بود، هرکسی می توانست سوء استفاده کند و خیلی ها فکر می کردند بتوانند با نفوذ در بسیج بازوی قدرتی برای خودشان انتخاب کنند. ” (گفتگوی روزنامه اطلاعات با حجه الاسلام سالک - ۶۰/۱۱/۵)

سیر تکوین بسیج در جنگ تحمیلی نشان می دهد که از آغاز جنگ تا اوایل سال ۶۰ حضور داوطلبانه نیرو های بسیجی در کردستان و در جنوب سازمان نیافته بود و عمداً افراد به جبهه اعزام می شدند و نقش فرعی در جنگ ایفا می کردند البته گروه هایی بودند که به سازماندهی و بکارگیری بسیجیان می پرداختند ولی از سال ۶۰ نقش بسیجیان در جنگ سازمان یافته و تعیین کننده بود “ می توان گفت که از نیمه اول سال ۱۳۶۰ حضور بسیج به صورت سازمان یافته در جنگ هویت پیدا کرد و بعد از عملیات بیت المقدس بیش تر گسترش پیدا کرد و بعد از عملیات مشترکی که در فتح المبین سپاه و ارتش باهم انجام دادند و بخش عمده اش هم نیرو های بسیجی بودند از این زمان و از عملیات بیت المقدس همینطور ادامه پیدا کرد. ”

سردار حجازی که مسئولیت اعزام نیرو در جبهه را بر عهده داشت در زمینه حضور سازمان یافته بسیجیان به جبهه می گوید:

“ تا قبل از شروع عملیات های گسترده، هر يك از یگان ها نیروهایشان را مستقیماً از شهرستان می آوردند و آموزش می دادند، تجهیز می کردند. مسلح می کردند و بکارگیری در يك قسمت از جبهه انجام می شد. می شود گفت شروع اعزام های گسترده بسیج همزمان بود با عملیات فرمانده کل قوا (ثامن الائمه) و بعد عملیات طریق القدس که آزاد سازی بستان بود. در این زمان اعزام اکیپ های وسیع و گسترده شروع شد. (مصاحبه با سردار حجازی)

در سال ۱۳۶۱، بسیج در پشت جبهه با رشد بیشتری به کار خود ادامه داد و تشکيل پایگاه ها و گروه های مقاومت به ویژه پایگاه های قشری زیاد شد. تشکيل گروه مقاومت روحانیون، تقویت بسیج عشایری، واحد خواران و بسیج دانش آموزی از جمله ایشاری بود که مورد توجه جدی قرار گرفت.

در جنگ تحمیلی، بسیج رشد کرد و نقش تکاملی و روز افزون خود را در عملیات ها به خوبی نشان داد. توسعه یگان های رزمی باعث گردید نیرو های بیشتری به جبهه اعزام شوند و فرماندهان یگان ها رسیدگی بیشتری به نیرو های بسیجی داشته باشند. در این سال با توسعه یگان های رزم، بسیجیان توانستند به عنوان فرمانده گروهان و گردان، نقش مهمتری ایفا نمایند و کمبود های ناشی از توسعه یگان و در جهت کادر سازی یگان سهیم باشند.

از موانع عمده توسعه بسیج در سال ۱۳۶۱ اختلاف نظر بین مسئول واحد بسیج مستضعفين و فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که نه بصورت جریان فکری، سیاسی و ... بلکه سلیقه ای و اختلاف کاری بوجود آمد و بخشی از سرمایه های انسانی و زمان صرف این موضوع می شد. حجه الاسلام سالک می گوید:

“ من و آقای رضایی به عنوان فرمانده کل سپاه با هم درگیری داشتیم. من در مصاحبه راجع به بسیج چیزی می گفتم و آقا محسن چیز دیگری می گفت و می گفت اگر این کار را بکنی، سپاه تحت الشعاع این نیروی عظیم قرار می گیرد، حرفش هم درست بود ولی يك کسی می بایست این مشکل قانونی را حل می کرد. من اساسنامه بسیج را در ۴۰ ماده برده بودم به مجلس و سپاه هم برده بود، دو اساسنامه به مجلس فرستاده شد. خدا حفظ کند مقام معظم رهبری را که ایشان يك بار تلفن زدند به من یعنی دفترشان زنگ زدند و گوشی را داده بودند به آقا و ایشان فرمودند فلانی این کاری که تو می کنی آیا درست است؟ می دانی که نباید بسیج را از بدنه سپاه جدا کرد گفتیم آقا امرتان چیست؟ گفتند ما نظرمان این است که بسیج در سپاه ادغام باشد. از همان وقت فتیله کار ما کشید، نه مصاحبه کردیم و اگر مصاحبه می کردیم حتماً از سپاه می گفتیم تا در اثر اختلاف سوء استفاده نشود. من باید بگویم بسیج امروز مدیون آقا است به خاطر آن حرکت های صحیح و منطقی اولیه مقام معظم رهبری. ” (مصاحبه با آقای سالک)

در ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۱ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که فصل چهارم آن اختصاص به واحد بسیج مستضعفین دارد که هدف از تشکیل آن ایجاد توانایی های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور دفاع از کشور، نظام جمهوری اسلامی و همچنین کمک به مردم به هنگام بروز بلاها و حوادث غیر مترقبه با هماهنگی مراجع ذیربط می باشد. در ماده ۳۷ آن سلسله مراتب سازمانی و تشکیلاتی رده های مقاومت بسیج قید شده است که در آن شهر بسته به وسعت و جمعیت به چند منطقه و هر منطقه مقاومت به چند ناحیه مقاومت و هر ناحیه مقاومت به چند پایگاه مقاومت تقسیم می گردد. از این زمان است که ناحیه مقاومت در شهرستان ها شکل می گیرند و هر چند ده پایگاه مقاومت زیر نظر یک ناحیه مقاومت کار می کنند.

بنابراین تغییری که در روند تشکیلاتی بسیج بوجود آمد نحوه اداره پایگاه های مقاومت است که در سال ۶۱ به بعد مسئول واحد بسیج مستضعفین مستقیماً امورات پایگاه ها و گروه های مقاومت را رسیدگی نمی کند، بلکه یک حلقه ارتباطی بوجود آورده و امور جاری پایگاه ها به ناحیه مقاومت سپرده شد و واحد بسیج شهرستان به امور متمرکز، برنامه ریزی و سازماندهی در سطح کلان تر می پردازد و همچنین تغییر دیگری که در اعضای ارتش بیست میلیونی بوجود آمد اینکه افراد ارتش بیست میلیونی بصورت اعضای عادی، اعضای فعال و اعضای ویژه تقسیم بندی شده اند. (بسیج در پرتو قانون، ص ۴۵)

در سال ۱۳۶۲ مسئله امنیت داخلی تا حدی از بین رفت و وضعیت گروه های مسلح به استثنای مواردی نظیر کومله و دمکرات ... روشن شد. در این سال بسیج سرگرم مسائل جنگ و سازماندهی نیرو های بسیجی شد. از جمله طرح مهم و اساسی که اولین بار در واحد بسیج مستضعفین برنامه ریزی شد، طرح لیبیک یا خمینی است، این طرح به علت نوآوری، گسترش، سازماندهی قوی دارای مقدماتی و تمهیداتی بوده که آموزش مسئولان طرح، برگزاری سمینار توجیهی و تبلیغاتی وسیع برای استقبال آن موضوعات اساسی قبل از اجراست. شناسایی رزمندگان، عضوایی و تکمیل فرم، انجام رژه و مانور در هر استان و شهرستان برای اجرای طرح لیبیک صورت گرفت و در فاصله بین ماه های آذر تا بهمن سال ۱۳۶۲، بسیجیان سازمان یافته به طور وسیع به جبهه ها اعزام شدند.

در بهمن ماه این سال، سرپرست واحد بسیج مستضعفین عوض می شود و حجه الاسلام رحمانی عهده دار این مسئولیت می شوند. وی در شرایطی این مسئولیت را پذیرفت که واحد بسیج مستضعفین با داشتن ۷۰۰۰ (مصاحبه با حجه الاسلام رحمانی) پایگاه و ناحیه مقاومت و با اجرای طرح لیبیک یا خمینی حرکت وسیع و سازماندهی بسیجیان آغاز کرده بود.

حجه الاسلام رحمانی در خاطراتش می گوید:

“ در این زمان مسئله سفارت اینجانب در یکی از کشور های خلیج فارس بودتا جایی که استوار نامه من توسط مقام معظم رهبری که در آن موقع رئیس جمهوری بودند امضاء شد و قرار بود فردایش استوار نامه را دریافت کنم و تشریفات صورت گیرد، ولی ساعت حدود ۱۰ شب بود که زنگ خانه ما به صدا در آمد. در را باز کردم دیدم حاج احمد آقا آمد داخل گفت امروز به حضرت امام گفتم که فلانی می خواهد به سفارت برود آقا گفتند کجا؟ گفتم یکی از کشور های عربی، گفتند ایشان نباید از من دور بشوند، من موافق نیستم که ایشان از من دور شود ایشان همانطور که در نجف با من بودند الان هم باید با من باشند. من برای ایشان جای مهمی در نظر گرفتم. من گفتم کجا و امام فرمودند مسئولیت بسیج را داشته باشند. من از حاج احمد آقا خواستم که با وزیر خارجه وقت رفع رجوع کنند و همچنین دفتر ریاست محترم جمهوری و ایشان هم شبانه زنگ زدند و قضیه حل شد. ”

زمانی که حجه الاسلام رحمانی مسئولیت بسیج را پذیرفتند، نیرو های بسیجی جبهه رفته، سازماندهی شده بودند و برای اجرای عملیات به جبهه اعزام شده بودند که ایشان نیز بلافاصله در جبهه حضور یافتند و جلسه شورای فرمانده بسیج را در اهواز تشکیل دادند که با حضور برادر شمخانی قائم مقام معظم فرمانده کل سپاه برگزار گردید. در همین زمان بود که عملیات گسترده خیبر انجام گرفت. در سال ۶۲ ضمن اجرای طرح لیبیک یا خمینی که حدود پانصد هزار نفر از بسیجیان را سازماندهی کرد، مقدمات طرح صف فراهم گردید.

در سال ۶۳، روند بسیج تغییر عمده ای نداشت، سیاست محوری واحد بسیج مستضعفین افزایش پایگاه های مقاومت در اقشار مختلف بود بهمین جهت تشکیلات اقشار در این برهه تقویت شد و باعث گردید حوزه های اداری، حوزه های صنفی تا پایین ترین رده گسترش یابند و از سوی دیگر باحضور گسترده دانش آموزی در جبهه های جنگ و استقبال فراوان نوجوانان برای ثبت نام و فعالیت در بسیج مدارس، آموزش آمادگی دفاعی برای پسران و دختران دانش آموز طراحی گردید و با هماهنگی و همکاری مناسب وزیر وقت آموزش و پرورش، این برنامه به طور غیر رسمی در مدارس به اجرا در آمد و اشتیاق نوجوانان برای فراگیری آموزش های نظامی و سلاح مورد آزمون قرار گرفت و در سال ۶۴ به طور رسمی آموزش آمادگی دفاعی در سطح مدارس به اجرا در آمد.

مرحله عملی آموزش آمادگی دفاعی به عهده واحد بسیج سپاه گذاشته شد که بدین منظور نیاز به مراکز آموزشی بود تا دانش آموزان بتوانند اردوی عملی را بگذرانند، همچنین با اعزام گسترده بسیجیان به جبهه ها در سال های ۶۴ و ۶۵، ظرفیت آموزشی اعزام به جبهه بسیار کم بود. برای افزایش ظرفیت مراکز آموزش اعزام به جبهه پادگان های قدس (اردوگاه های قدس) مطرح گردید که باهمیاری مردم و دولت در سال های ۶۵ و ۶۶ حدود یکصد اردوگاه قدس با ظرفیت های متفاوت (حداقل ۳۰۰ نفر) (حداکثر ۲۰۰۰ نفر) تأسیس و راه اندازی شد.

طرح اردوگاه های قدس جایگاه مهمی در سیر تکوین بسیج دارد زیرا مراکز آموزشی محدود واحد بسیج سپاه، پس تر مناسب برای آموزش، اردو و تفریح بسیجیان را جوابگو نبوده و با راه اندازی اردوگاهها، مشکل آموزش اعزام به جبهه حل شد و در مواردی نیز انجام مانور های شهری و عملیاتی در اردوگاه ها برنامه ریزی و اجرا می شد.

حرکت رو به رشد بسیج مستضعفین که از زمان جنگ تحمیلی آغاز شد تا پایان جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرد و فعالیت نیرو های بسیجی در پایگاه های مقاومت و در بین آحاد مردم و اقشار مختلف جامعه نیز حضوری چشمگیر داشته است. می توان گفت این حرکت دارای روند نسبتاً دائمی بوده است هر چند ممکن است در یک زمان کوتاه از این مقطع هشت ساله دارای نقطه عطف بوده و یا در مقطعی ممکن است دارای نقصان وضعف بوده باشد. مثلاً در سال ۶۵ نقطه عطف اعزام گسترده بسیجیان به جبهه ها بوده است که کاروان یکصد هزار نفری تحت عنوان سپاهیان محمد (ص)، تمامی جبهه ها را پر کرده است همانگونه که در سال ۶۲ طرح لبیک یا خمینی طرح گسترده ای برای حضور نیرو های رزمنده در جبهه بشمار می رود.

آقای رحمانی در مورد اعزام سپاهیان حضرت محمد (ص) می گوید:

“ در آذر ماه سال ۱۳۶۵ برنامه ریزی کردیم تا سپاه یکصد هزار نفری را اعزام کنیم گزارشی را خدمت حضرت امام دادم و ایشان خوشحال شدند و گفتند اگر این کار را بکنید انقلاب و ایران را از غربت در می آورید. من با مسئولین زیادی در این زمینه صحبت کردم بعضی مخالف بودند و بعضی موافق، یکی از بزرگانی که صحبت کردم ریاست جمهور وقت حضرت آیه الله خامنه ای بود. به ایشان گفتم اولین هفته بسیج که آمدید و سخنرانی کردید گزارشی دادم که ۷۰۰۰ پایگاه مقاومت داریم و دنبال تکثیر این رده ها هستیم و در شهر و روستا پایگاه می زنیم و شنیدیم که شما بعید می دانید که اعزام یکصد هزار نفری داشته باشیم گفتند چطور گفتم ما آن وقت بذری را که کاشتیم امروز از آن بهره می گیریم و کتابچه ای خدمت ایشان دادم که الان هم موجود است ما امروز ۲۱ هزار * و پانصد پایگاه مقاومت داریم و اگر به هر کدام بگویم ۵ نفر را اعزام کنند ما مشکلی نداریم. اگر امام بفرمایند ۲۰۰ هزار نفر را اعزام کنم، این کار شدنی است.”

کاروان یکصد هزار نفری فقط یکبار بصورت متمرکز در طول هشت سال جنگ اتفاق افتاد و در شرایطی این کاروان حرکت کرد که اعزام های قبلی انجام گرفته بود، نیرو ها برای عزیمت به جبهه به نسبت دفعات و سنوات قبلی آمادگی زیادی نداشتند، تبلیغات دشمن علیه انقلاب اسلامی وسعت یافت. با اعزام چنین کاروانی عملیات های سنگین کربلای ۴ و کربلای ۵ اتفاق افتاد.

درسال ۶۶، حضور بسیجیان در عرصه های نبرد کمرنگ می شود، عملیات سنگین کربلای ۵ در اواخر سال ۶۵، توان رزمی بسیاری از نیرو های بسیجی را به خود اختصاص داد، آثار منفی ناشی از عملیات که برای نگهداری هر وجب از خاک کربلای ۵ با اهداء خون و پوست و گوشت بسیجیان عجین شده بود، اعزام های بعدی را تحت تأثیر خود قرار داد، نداشتن طرحریزی برای انجام عملیات های بزرگ در سال ۶۶، زمینه اعزام بسیجیان را فراهم ننمود. شاید دلایل عمده عدم استقبال از جنگ همین دو مورد کلان و اساسی باشد.

من روند بسیج را همیشه تکاملی می بینم تا آنجایی که در ذهن من است. منتهی در مسئله جنگ شرایطی در خود میدان پیش آمد که شما این فراز و نشیب را می بینید. برنامه کار این بود که برای هر عملیاتی که تمام می شد برنامه ریزی می کردند برای عملیات بعد، زمان بندی می شد. در این فاصله فرماندهان جنگ می گفتند مثلاً ما چند گردان لازم داریم و برنامه ریزی می شد و همان مقدار را تقسیم می کردند توی شهرستان ها سهم همه را می دادند و می گفتند این تعداد بسیجی را بفرستید فلان جا و یک تعداد بیش تر برای احتیاط در نظر می گرفتند این رویه همین طور بود و آن نقطه اوجش هم آن لشکر حضرت محمد (ص) بود که ۱۰۰/۰۰۰ نفر بود یا ۴۰۰ گردان و در همین حدود فرستادیم.

من از عملیات خیبر وارد شدم، قبلش یعنی والفجر مقدماتی ناکام بود و فرماندهان سپاه و ارتش نمی ساختند، یک نفر می خواست که فوق این ها باشد امام خواستند و من رفتم، یعنی ۳ روز قبل از خیبر حکم گرفتم و رفتم توی جبهه و تا آخر بودم، تا آخرین عملیاتی که انجام می دادیم ما مشکل نیرو خیلی نداشتیم فقط یک اشکال داشتیم که آخر های جنگ که عراق سازماندهی کرد و حملات متقابل شروع شد و عراق که حالت دفاعی داشت و ما حمله می کردیم نقص ما معلوم نمی شد. در اوج عملیات وقت سه ماهه بسیجی ها تمام می شد، سه روز از عملیات نمی گذشت که می خواستند ترخیص شوند. همان جا مجبور بودیم سنگر بندی کنیم و عملیات را نیمه کاره ر ها کنیم و هیچ عملیاتی به هدف نهایی اش نرسید.

... گفتیم تا عراق حمله نمی کرد ما حمله می کردیم و عملیات را ناقص انجام می دادیم وقتی عراق برنامه تهاجم را پیاده کرد خطرناک شد، نیرو های ما و قششان تمام می شد. مجروح می شدند، ترکش در بدن داشتند ... وقتی عراق آن حالت را گرفت در فاو و خیبر همان جاهایی را که ما گرفته بودیم خیلی جا ها را پس گرفت آن موقع دوره حضور بسیجی ها توی این دوره هست که من هم به عنوان فرمانده جنگ متوجه شدم که یک اشتباهی باید کرد ه باشیم و آن اینکه ما باید یک مقدار نیرو های ثابت توی جبهه داشته باشیم که معمولاً توی این جنگ ها با سرباز های احتیاط اجباری عمل می شود. حش این بود که مثلاً ۱۰۰ گردان ۲۰۰ گردان نیرو توی جبهه لازم داریم که حداقل دفاع را همیشه و هر جا هستیم بر عهده گیرند. و برای تهاجم، نیرو های بسیجی را داشته باشیم و این کار نشده بود.

پس باید بگوییم که یکی ۲ سال آخر جنگ ما دچار این انحطاط حضور بسیج می شویم. یک سال آخرش خطرناک هست یک سالش را آن اشکال دارد که کارهایمان را نمی توانیم تمام کنیم. اما این آخرین بار عراق چون دوباره به ما حمله کرد و از همان فلش های که اول انقلاب، اول شروع کرده بود دوباره آمد به طرف خرمشهر، بعد به طرف آبادان، بچه هایی که بنا داشتند جنگ نروند یا خسته شده بودند احساس کردند همه زحماتشان هدر می رود امام هم یک فرمان بسیج دوباره درمندان صادر کردند که این موج با ارزشی بود موج مبارکی بود. اما این موج آخر را، شرایط ویژه ای بود که آمدند آن موقعی که دچار توقف شده بودیم و من مسئله مهم را این می دانم که چون آن طرف استراتژی اش تفاوت کرده بود و از این جهت بسیار محسوس شد و الا در همه دوره ها ما بعد از هر عملیاتی دچار کمبود می شدیم.

بعلاوه آن شرایط داخل خاک دشمن اصلاً قابل مقایسه با اینجا نبود و خود عراقی ها آنجا خیلی جدی بود دفاعشان، واقعاً دفاع می کردند. عراقی ها توی خاک خودشان خیلی مقاومت می کردند تن به تن، ما تو جنگ کربلا ۵ واقعاً عجیب هست متر به متر پیش می رفتیم. آقای شمخانی فرمانده میدان بود می گفت دیگر به جایی رسیدیم که مشت می زدند توی صورت همدیگر.

در سیر تکوین بسیج در این مرحله یعنی در مقطع جنگ سیر صعودی را از ابتدای جنگ یا یکی دو سال پایان جنگ به وضوح مشاهده می کنیم ولی در آخر جنگ بخاطر فرسایشی شدن و تهاجم مجدد عراق و مقاومت سرسختانه آنان و نیز خستگی بسیجی هایی که چند بار به جبهه اعزام شده بودند، سیر حرکت بسیج و سیر اعزام به جبهه حالت نزولی پیدا می کند و مجدداً در آخر جنگ یعنی پس از پذیرش قطعنامه سیر صعودی نمایان می شود. با توجه به رابطه مستقیمی که بین جذب بسیجیان در رده های مقاومت و حضور آنان در عرصه های جنگ تحمیلی دارد، می توان گفت فعالیت های بسیج نتوانسته جاذبه های لازم را برای نوجوانان و جوانان بخوبی فراهم نماید تا تحقق ارتش بیست میلیونی با همان روند گذشته اش حرکت نماید. بدین ترتیب چگونگی وضعیت ارتش بیست میلیونی در مقطع طولانی عمر خود به تصویر کشیده می شود که روندی تکاملی و روبه گسترش می باشد.

چهارمین دوره از دوره های عمر بسیج مستضعفین، دوره نه جنگ و نه صلح است که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز می شود و تا تشکیل نیروی مقاومت بسیج به پایان می رسد. این دوره کوتاه که حدود یکسال و نیم طول کشید. دوره خاصی از بسیج را تشکیل می دهد که به دوره حسیب شباقت دارد ولی به تر است نام آنرا دوره انتقالی بنامیم. دوره انتقالی دوره ای که زمینه برای خروج از دوره قبلی فراهم می شود و بس تر ورود به دوره ای که بعداً خواهد آمد تعریف خواهد شد.

در این دوره مرکز خدمات علمی رزمندگان جهت تقویت بنیه علمی آنان تأسیس شد که جزوات کمک درسی در سه رشته علوم ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی با بیش از ۵۰ جزوه در اختیار رزمندگان اسلام قرار داده شد.

طرح بیمه حوادث و مسئولیت بدنی برای یک میلیون بسیجی، برای بسیجیانی که در مأموریت های حفاظتی، کنترل عبور و مرور، مبارزه با گرو هکها، مبارزه با مواد مخدر و کمک رسانی شرکت می کنند مشمول این طرح میباشند.

اعزام بسیجیان به جبهه ها تا مدت ها پس از پذیرش قطعنامه ادامه پیدا کرد به نوبت بسیجیان در خطوط مقدم حضور پیدا می کردند فعالیت های آموزشی، برنامه های سازماندهی و اعزام کاروان های اعزام به جبهه به شدت تنزل یافت. تأسیس پایگاه های جدید و مأموریت های جانبی در مقایسه با دوره قبل کاهش فراوانی داشت. در چنین شرایطی که فضای روانی جامعه برای حضور و فعالیت بسیجیان بسیار آلوده بود زیرا جنگ فرسایشی هشت ساله این تفکر و زمینه روانی را ایجاد کرده بود که فلسفه تشکیل بسیج برای شرکت در جنگ است. در این دوره نقش تعیین کننده امام (ره) پایداری و استمرار بسیج را تضمین کرده است.

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت بازسازی جنگ که برای فرماندهان سپاه فرستادند به ضرورت بسیج و تحقق ارتش بیست میلیونی، تبیین اصول و فرمول دفاع همه جانبه تأکید ورزیدند. اندکی پس از آن که به مناسبت هفته بسیج پیام دادند و بر ضرورت تشکل های جدید بسیج و نقشی که تشکل های دانشجو و طلبه در تقویت و

توسعه ارتش بیست میلیونی دارد اهتمام ویژه داشتند که در کالبد بی جان جامعه و اجتماع بسیجیان روحی تازه دمیدند و فضای آلوده کشور علیه بسیج را صاف و پاک نمودند. سردار فرهادی در این خصوص می گوید: “تا زمان شکل گیری مجدد یا به عبارتی می توانیم سال ۱۳۷۰ که نیروی مقاومت در واقع پایه ریزی شد و کارش را شروع کرد توی این دو سه سال می توانیم به عنوان دوره نقاهت از نظر ساختاری و از نظر کارکردی ببینیم، بعد از جنگ تفکری در خود سپاه بود که بسیج یک واحد از واحد های نیروی زمینی سپاه بشود و این پیشنهاد فرماندهی کل سپاه بود که حضرت آقا در آن تدبیر، دستور تشکیل یک نیرو را دادند. در جامعه این تفکر بصورت غلبش وجود داشت که بسیج بعد از جنگ می خواهد چکار کند بسیج مال زمان جنگ است. چون امام فرمودند مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد ۲۰ میلیون تنگدار داشته باشد. این مربوط به زمانی است که آمریکا کشتی های نظامی اش را وارد آب های خلیج فارس کرده بود و الان که قطعنامه پذیرفته شد و صلح مطرح است دیگر چه نیازی به بسیج داریم. البته خود حضرت امام در آخرین پیامی که به بسیج دادند فرمودند بسیج باید مثل گذشته با قدرت و اطمینان به کار خود ادامه بدهد و فرمودند امروز یکی از ضروری ترین تشکلهای بسیج دانشجویی و طلبه است. در واقع حضرت امام (ره) فضای جدید کاری برای نیروی مقاومت بسیج و بسیج پس از جنگ کار فکری و فرهنگی و سازندگی ارائه دادند. زیرا با تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه ما باید برویم در میدان علم و در میدان فرهنگ و در میدان سازندگی.”

می شود گفت از سال ۶۷ یعنی بعد از جنگ تا تقریباً سال ۶۹ یعنی ۲ سال یا ۱/۵ سال، این دوره یک دوره خاصی است که هم افکار عمومی و هم اینکه مسئولین به این فکر افتادند که حالا که جنگ تمام شد ما خیلی نیاز به حضور بسیج در عرصه های دیگر نداریم. از سویی دیگر بسیجیان هم احساس می کردند که این ۸ سالی که در جنگ بودند حالا باید بروند رسیدگی کنند به مسائلی که تا بحال به آن نرسیدند تحصیلات، ازدواج، مسکن و مواردی دیگر، این دو سه سال می شود گفت از نظر کارکرد، بسیجیان ما نسبت به زمان جنگ یک افتی را دارند.

آیه الله هاشمی رفسنجانی می گوید:

“این دوره را به عنوان یک مرحله گذر می توانیم رویش حساب بکنیم، اولاً یک عده زیادی بخاطر جاذبه دفاع مقدس می آمدند که عمدتاً برای این بود. حالا آموزش برایشان فقط آموزش نبود، آموزشی که بکار بگیرند بود به این مشکل یعنی آن اصل آموزش را می خواستند و بعد ما آمدم قانون وضع کنیم قانون وضع کردیم که ۴۰ درصد دانشگاه را با ظرفیت دانشگاه به بچه های جنگ بدهیم. این معنایش این بود که عده زیادی از آن بچه ها باید آنهایی که می توانستند دانشگاه بروند، بروند داخل دانشگاه، قوانین دیگری هم برای جذب نیرو های اینها که گزشت کم هم نیست از آن مسیرهایی که باز کردیم.”

این ها همه روی وضعیت بسیج در آن دوره تأثیر گذاشت.

پنجمین دوره عمر بسیج دوره ای است که نیروی مقاومت بسیج تشکیل می شود و آقای علیرضا افشار به عنوان فرمانده نیروی مقاومت بسیج در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۲، از سویی رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای منصوب می شوند. که در حکم فرمانده کل قوا تحقق کامل ارتش بیست میلیونی مورد انتظار است. وضعیت سپاه و بسیج را می توان بدون هیچگونه شرح و تفسیر شامل موارد زیر دانست:

الف - با پذیرش قطعنامه، هنوز وضعیت جنگ و صلح در پاره ای از ابهام قرار دارد و فضای حاکم بر جامعه، تهدید علیه انقلاب اسلامی را منتفی نمی داند.

ب- مؤسس بسیج مستضعفین و رهبر کبیر انقلاب اسلامی رحلت نموده و بسیجیان بزرگ ترین حامی خود را از دست داده اند.

ج- حمایت و پشتیبانی دولت از بسیج مستضعفین قطع شده و معاونت جنگ و وزارتخانه تعطیل و منحل شده است.

د- قشر جوان و تحصیلکرده بسیج برای ادامه تحصیل روانه دانشگاه یا مدرسه رزمندگان شده اند تا عقب ماندگی تحصیلی هشت سال دفاع مقدس را جبران نمایند.

ه - بخشی دیگر از بسیجیان در پی کسب و کار و یا رفاه و خدمات مادی خانواده خویش تلاش می کنند.

و- تیپ ها و لشکر های سپاه در شرایطی قرار دارند که باید به پرسنل لشکر از نظر امکانات مادی و رفاهی رسیدگی کنند و از سویی دیگر در پی فراهم نمودن ساختمان ها و زمین های مناسب برای استقرار لشکر، تیپ و رده های تابعه هستند.

ز- برخی از فرماندهان هنوز در صدد هستند تا واحد بسیج را تحت امر نیروی زمینی سپاه قرار دهند و نیرو های بسیجی جبهه رفته را با لشکر ها مرتبط کنند و در یگان های رزم سازماندهی کنند.

ج - تبلیغات خارجی و عوامل داخلی بر ناکارآمدی بسیج در اواخر جنگ و اینکه بسیج پس از جنگ ضرورت ندارد، باعث گردید افکار عمومی غالب، تحت تأثیر تبلیغات سوء، تمایل و کوشش بسیجیان در عرصه های علمی و اقتصادی و نگاه کم بینانه برخی از فرماندهان سپاه و جنگ در مورد جایگاه بسیج قرار گیرند و اهتمام لازم برای حفظ و صیانت از دستاوردهای عظیم فرهنگ و تفکر بسیجی به عمل نیاورند.

ط- نداشتن برنامه مفید و ارزشمند برای تقویت و توسعه بسیج در دوره چهارم عمر بسیج
ی- کناره گیری و یا عدم ارتباط برخی از بسیجیان با رده های مقاومت که باعث طرد و ریزش آنان از
مجموعه عظیم بسیج شده است.

موارد دهگانه فوق و مواردی دیگر جمعاً شرایطی را بوجود آورد که تدبیر حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب
اسلامی بر تشکیل نیروی مقاومت بسیج تعلق گرفت و حیاتی دوباره به بسیج داد و الا شرایط برای تضعیف
بیش از حد و یا انحلال و ادغام آن بسیار فراهم بود.

“ابتکار استراتژیک رهبر فرزانه انقلاب اسلامی برای گذر از این بحران، ایجاد تحول در ساختار و سازمان
بسیج بود یعنی تبدیل واحد بسیج مستضعفین به نیروی مقاومت بسیج، که در آن مأموریت های اساسی نیروی
مقاومت، به دقت تبیین شد. این ابتکار که به ارتقاء و تقویت سازمان بسیج انجامیده است نگرش منفی حاکم بر
جامعه را که در پی تضعیف و یا انحلال بسیج بود، به یکباره متحول کرد و چالش های ذهنی بوجود آمده،
موجب گردید، اندیشه انحلال مغلوب گردد.

ابتکار فرمانده معظم کل قوا، علاوه بر ره آورد نگرشی که احیاء دوباره بسیج را موجب گردید، جهت عملی و
کنشی آن نیز معلوم گردید. در تبیین مأموریت و وظایف نیروی مقاومت، هدف از تشکیل نیرو را جذب،
آموزش، سازماندهی، بکارگیری، تجهیز و حفظ و انسجام بسیجیان دانسته اند. یعنی هدف از تشکیل بسیج،
ایجاد آمادگی لازم برای دفاع است. اصل بسیج، آمادگی است، هر چند در صحنه عمل و واقع، از خود فعالیت
نشان ندهد. با این بیان، فلسفه وجودی بسیج را تثبیت نموده و ضرورت آن را محرز دانسته اند و در تشریح
مأموریتی دیگر، همکاری با دولت و وزارتخانه ها را از وظایف بسیجیان بر شمرده اند که در واقع نو اندیشی
در رویکرد بسیج حاصل شده است. نو اندیشی در رویکرد به بسیج تا سال ۱۳۷۰ ادامه یافت تا جهت ها و حدود
اندیشه نوین مشخص گردد که در فرآیند سازندگی کشور، نقش و جایگاه خود را تحت عنوان بسیج سازندگی
بدست آورد. ” (جمعی از نویسندگان، آشنایی با بسیج، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج - تهران،
۱۳۸۰، ص ۱۱۹)

اهمیت تشکیل نیروی مقاومت بسیج در مقایسه با شکل گیری بسیج به اندازه ای است که می توان گفت واحد
بسیج را امام (ره) آفرید و ایجاد کرد و نیروی مقاومت را مقام معظم رهبری برای تحقق ارتش بیست میلیونی
احیاء کرد. یعنی ایجاد ارتش بیست میلیونی مدیون اندیشه امام خمینی (ره) است و بقاء و تحقق ارتش بیست
میلیونی مدیون تدبیر آیه الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب است.

اگر بخواهیم حق مطلب را به طور کامل تأدیه کنیم به جمله احیا و حیات دوباره نباید اکتفا کرد. بلکه یک قدم
جلو تر می رویم و به این دوره، دوره تحول اطلاق می کنیم که دارای شاخصه هایی است از جمله:

۱- بسیج مستضعفین واحدی از واحد های دهگانه یا دوازدهگانه سپاه بشمار می رفت که در اثر تحول به یک
نیرو تبدیل شد یعنی هم سطح با نیروی زمینی، هوایی، دریایی و قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

۲- برای اولین بار حکم انتصاب فرمانده بسیج، از سوی فرمانده کل قوا صادر گردید.

۳- علاوه بر مأموریت های واحد بسیج مستضعفین، مأموریت حفاظت از شخصیتها، هواپیما و اماکن حساس
به بسیج واگذار گردید.

۴- در فرآیند تحول، بر اهمیت نیروی مقاومت تأکید می نماید و می افزاید حداقل نیمی از مأموریت سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی، تشکیل ارتش بیست میلیونی است.

۵- تحقق کامل ارتش بیست میلیونی مورد انتظار رهبر حکیم انقلاب اسلامی است که لازمه آن تحول یا
تحولات چند باره است.

۶- در مأموریت بسیج، علاوه بر آموزش و سازماندهی که محور های اساسی واحد بسیج مستضعفین بوده
است، مقولات جذب، تجهیز و حفظ و انسجام را اضافه می نماید.

نیروی مقاومت بسیج، اندکی پس از فرمان مقام معظم رهبری و انتصاب آقای افشار تشکیل شد. یعنی توأم با
تاخیر شکل گرفت، هر چند مدت زمان تعویق دقیقاً مشخص نمی باشد، ولی به حساب گفته های حجه الاسلام
رحمانی مسئول واحد بسیج مستضعفین که باید مسئولیت بسیج را به آقای افشار بدهد در مصاحبه خود به این
نکته اشاره دارد که مدتی گذشت تا مسئولیت را به آقای افشار دادم ابتدا ساختمان سپاه یکم ثارالله (سپاهی که
مسئولیت تهران و شهر های اطراف را بر عهده داشت) به ستاد نیروی مقاومت تبدیل شد که در بزرگراه بسیج
(افسریه)، اسب دوانی سابق و مقر فعلی سپاه حضرت رسول (س) می باشد، مستقر می شود. نیرو های
مسئول و پرسنل آن بخشی از پرسنل سپاه یکم ثارالله و بخشی از جا های مختلف سپاه تأمین می شود. امکانات
بسیار اندک و فرسوده و وسایل نقلیه کم، لوازم ستاد نیروی مقاومت را تشکیل می دهد.

“فرمانده نیروی مقاومت در آنجا (مقر سپاه یکم) مستقر شد و کار با امکانات بسیار محدود و با نیروی کم آرام
آرام آغاز شد ولی انگیزه قوی سردار افشار و سایر مسئولین و همکاران ستاد نیروی مقاومت بسیج باعث شد،
ستاد نیرو سریع شکل بگیرد.”

برای شکل گیری ستاد نیروی مقاومت بسیج (واحد مرکزی نیروی مقاومت) لازم بود توان سپاه کشوری، توان واحد بسیج مستضعفین، بخشی از توان سپاه یکم ثارالله و بخشی از توان سایر نیروها جمع می شد تا ستاد نیروی مقاومت در سطح مدیران عالی، مدیران میانی و عملیاتی و پرسنل ستاد نیروی مقاومت تکمیل می شد. حدود ۶ ماه گذشت، در حالی که هنوز انتصاب مدیران، عضوگیری پرسنل، جابجایی ساختمان نقل و انتقال ابزار و امکانات به پایان نرسیده بود که مسئله بسیار مهم سرنوشت ساز تفکیک مطرح شد و به صحنه عمل و اقدام کشیده شد.

مسئله تفکیک در واقع تفکیک و جداسازی نیروی انسانی، امکانات، ساختمان، مراکز آموزشی و تفریحی، منابع درآمدی و خود کفایی که تحت پوشش سپاه پاسداران بود، آغاز شد و در این مرحله هر نیرویی با داشتن نماینده، برای کسب و تخصیص منابع و امکانات تلاش می کرد.

سردار تمیزی طی مصاحبه این چنین می گوید:

“نیروی زمینی و سایر نیروها وابستگی به زمین خودشان، مکان خودشان، پادگان خودشان، و امکانات خودشان داشتند. از طرفی مقام معظم رهبری فرموده بودند که نیروی زمینی ستون فقرات سپاه است. نیروی زمینی که در جنگ بود، با پایان یافتن جنگ، جای مشخصی را برای استقرار نداشتند. نیروهای هوایی و دریایی نیز با پایان یافتن جنگ، خودشان را محقق می دانستند که از حالت بی خانمانی و بی ستادی، بی پادگانی خارج شوند و جایی در استان ها و شهرستان ها برای خود انتخاب کنند. دستور فرماندهی کل سپاه بود که این نیروی زمینی باید سریع تر شکل گیرد تا در صورت تهدید و تجاوز، آمادگی پاسخ سریع را داشته باشد. ستاد مشترک نیز برای تقویت و راه اندازی نیروی زمینی تلاش می کرد. بهرحال در سال ۶۹، ۷۰ جداسازی و تفکیک بین نیروی زمینی و نیروی مقاومت انجام گرفت. مناطق تشکیل شد، نواحی شکل گرفت، نیروهایی که از نظر نظامی وضعیت به تر و آمادگی بیشتری داشتند به نیروی زمینی سپرده شد. واقعاً در بعضی جاها کاملاً محسوس بود که هر چه مناسب و خوب و به تر بود، می رفت به سمت سایر نیروها و آنچه که می ماند و به نوعی هم می شود گفت مازاد بود به سمت نیروی مقاومت بسیج داده می شد و این موضوع به گرفتار کردن بسیج در خودش و مواجه کردن بسیج با مسائل و مشکلات انجامید. واگذاری نیروی انسانی نامناسب و ناسالم. واگذاری امکانات فرسوده در اکثر جاها، ساختمان های فرسوده در شهرستان ها و استان ها به نیروی مقاومت دوران به واقع سخت نیروی مقاومت بود که وقت بسیار بسیار زیادی را از مسئولین نیروی مقاومت گرفت و یکی از خطاهای استراتژیک ما همین بود که برای بعد از جنگ آنطوری که بایستی فکر می کردیم، فکر نکردیم.” (مصاحبه با سردار تمیزی)

در سال ۶۹ موضوع تفکیک عملاً کار خود را آغاز کرد. از طرفی هنوز بخشی از فرماندهان تمایل دارند نیروی مقاومت بسیج تشکیل نشود و به صورت یک واحد از واحد های نیروی زمینی یا ستاد مشترک باقی بماند، اما اراده فرمانده کل سپاه و انگیزه فرمانده نیروی مقاومت بسیج، هر مانعی را از سر راه بر می دارد و با کمترین امکانات، نیروی انسانی، بودجه و ساختار ضعیف کار را آغاز می کنند. هنوز اندکی از آغاز کار تفکیک نگذشته بود که شرح وظایف نیروی مقاومت بسیج توسط فرمانده کل قوا ابلاغ شد و با دو مأموریت و ۱۹ وظیفه کلی، هر گونه ابهام در نیروی مقاومت را از بین می برد.

“قائم مقام بسیج مستضعفین می گوید در پنجم آذر ماه ۶۹ و در سالگرد تأسیس بسیج شرح وظایف کلی این نهاد از سوی حضرت آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا رسماً به سپاه ابلاغ شد. با ابلاغ این شرح وظایف، مأموریت و وظایف کلی بسیج مشخص شد که این امر نوید دهنده آینده روشن و بدون ابهامی برای نیروی مقاومت بسیج می باشد.” (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۶۹/۹/۸)

تأسیس کانون های بسیج جوانان بصورت نیمه متمرکز در هر استان از دیگر اقداماتی است که در اواخر این سال آغاز می گردد. حضور مقام معظم رهبری در آذرماه سال ۱۳۶۹ در محل ستاد نیرو واقع در اسب دوانی (سابق) و سخنرانی ایشان در روند شکل گیری نیروی مقاومت موثر بوده است. بنابراین سال ۱۳۷۰ سالی است که بیشترین مناطق و نواحی از یگان های نیروی زمینی و دیگر نیروها تفکیک شده است و بخشی دیگر از مناطق و نواحی در سال ۱۳۷۱ از یگان های رزمی جدا گشتند. بنابراین می توان گفت از آغاز صدور حکم و تدبیر تشکیل نیروی مقاومت تا سال ۱۳۷۱، دوره ای است که نیروی مقاومت از بالا (ستاد نیرو) تا رده نواحی (شهرستان ها) شکل می گیرد و با حداقل امکانات، ساختمان و نیروی انسانی آماده اجرایی مأموریت ارتش بیست میلیونی می گردد. هر چند تعدادی از مناطق تا این سال تشکیل نشده است و به اعتقاد برخی از فرماندهان مسئله تفکیک تا سال ۷۳، ۷۴ ادامه پیدا کرده است.

در سال ۱۳۷۱ نیروی مقاومت بسیج آمادگی نسبی برای اجرای برخی مأموریت ها را پیدا کرد. البته تا این زمان مأموریت های عمومی بسیج به صورت ضعیف شده اجرا می شد ولی اینکه نیروی مقاومت بسیج در چه جهتی باید حرکت کند، از سال ۱۳۷۱ معلوم گردید.

عهده دار شدن مسئولیت حفاظت و حراست از شخصیت ها در سراسر کشور با امکانات اولیه و فاقد ساختار تشکیلاتی مناسب در همین سال رونق گرفت. شروع فعالیت کانون های متمرکز از استان ها و حتی در برخی

از شهرستان ها در سال ۷۱ در خدمت جوانان قرار گرفت، تربیت بدنی نیروی مقاومت برنامه های خود را به طور جدی تعقیب کرد، اردو های به سوی نور، اردو های تفریحی، سفر های زیارتی و... برای بسیج تعریف شده است. برنامه ریزی برای جذب اعضای بسیج و رسیدن به مرز بیست میلیون نفر در سمینار سالانه فرماندهان در شهر شیراز (اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱) مطرح و مورد توجه فرماندهان واقع شد. سازماندهی اعضای بسیج در قالب گردان های عاشورا و اندکی پس از آن در قالب گردان های الزهراء (س) که به صورت آزمایشی در استان های مازنداران، فارس و... به اجرا در آمد و در سال ۱۳۷۱ در سراسر کشور اجرا شد. از دیگر مأموریت های نیروی مقاومت می توان مسئله امر به معروف و نهی از منکر را نام برد که با حضور فرماندهان گردان های عاشورا و الزهراء در حسینیه امام خمینی (ره) و سخنرانی رهبر معظم انقلاب در این جمع به عنوان وظیفه تعیین گردید که در ستاد نیروی مقاومت کمیسیون امر به معروف و نهی از منکر فعال گردید و آموزش متناسب با این مأموریت به فهرست آموزش های عمومی بسیجیان اضافه گردید.

همکاری سپاه و بسیج با دولت آقای هاشمی در امر سازندگی کشور و مشارکت در عرصه اقتصاد و بازار، به طور جدی از اواسط برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور شروع شد و پروژه های متعددی توانستند تا پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی به انجام برسانند که سهم نیروی مقاومت بسیج در تشکیل قرارگاه نجف (قرب) و نیز واگذاری امتیازات و کارخانجات به اعضای بسیج از جمله اقدامات به شمار می رود. هر چند در این مسیر توفیق نسبی حاصل شد ولی نشان دهنده فلش جدیدی از فعالیت های بسیجیان می باشد که با فعالیت بسیج در دوران جنگ متفاوت است.

“مسئله سازندگی که مطرح شد من خودم مسئول بودم اما احساس کردیم پیمانکارهایی که در کشور هستند با مقدار ظرفیتشان نمی توانند جوابگوی نیاز های طرح های فراوانی که در برنامه اول داشتیم، باشد. مجلس ۱۳۶ میلیارد دلار را تصویب کرد که ارزش مصرف کنیم. ما به فکر افتادیم که از نیروی مسلح طبق قانون اساسی در سازندگی استفاده کنیم. هم امکاناتشان را اضافه کنند و هم وسایل فرسوده و غنیمتی زمان جنگ را از نو بخرند و هم اگر پولی دارد، در آمدی دارد، همین ارگانهای انقلابی تقویت شوند. چون بچه های جهاد با بچه های سپاه نمی خواستند توی پادگان بمانند و هنوز هم خیلی مایل نیستند توی پادگان بمانند. در این زمان ۵ استان که تعطیل شده بود شروع به کار سازندگی شد، نیرو ها وارد کار می شدند. بسیج هم مثل این ها بود. يك عده عضو سپاه بودند يك عده بسیجی بودند. عین همین کار در بسیج هم سازماندهی شد برای کار های سازندگی.”

در سال ۱۳۷۲ فعالیت های اجتماعی بسیج فعالیت های فرهنگی، و فعالیت های امنیتی بسیج رونق بیشتری به خود گرفت همکاری نیرو های مقاومت بسیج با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زمینه طرح ملی ریشه کنی فلج اطفال، همکاری نیروی مقاومت بسیج با وزارت بازرگانی در مبارزه با گرانفروشی. راه اندازی و آغاز بکار ضابطین و ناصحین در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و همچنین آمادگی گردان های عاشورا و الزهراء (س) در پیشگیری و مقابله با بحران های شهری که تا این زمان در شهر های شیراز و اراک، مشهد و... بوجود آمده بود، حضور بسیجیان در عرصه های یاد شده را ضروری می نماید و شاید از سال های ۷۱ و به طور مشخص از سال ۱۳۷۲ است که تلاش و کوشش چند ساله نیروی مقاومت بسیج به ثمری می نشیند. دیدگاه کسانی که ضرورت وجود فعالیت بسیجیان در دوره صلح و سازندگی را احساس نمی کردند، را تغییر داد و در کنار آموزش های نظامی و آمادگی دفاعی برقراری امنیت شهر ها، همکاری با دولت و وزارتخانه ها در انجام امور ملی و حل برخی مسایل اقتصادی و فرهنگی کشور، نقش نیرو های بسیج را سازنده و مثبت معرفی می کند.

“می خواهم بگویم سال ۷۲ خیلی از کار های ریشه ای و کار های زیر بنایی به عنوان شکل گیری نیروی مقاومت بسیج انجام شد و تلاشهایی که الان (۱۳۸۰) هم بخشی از آن کار ها ادامه پیدا می کند مال همان تلاشی است که در آن مقطع به عنوان کار های اساسی گذاشته شد و آن مقطع بسیار حساسی برای بسیج بود و به لحاظ اینکه داشت در يك چارچوبی شکل می گرفت. قانون مند شد. تصویب ماده واحده امر به معروف و نهی از منکر توسط مجلس شورای اسلامی، انجام فعالیت های اجتماعی، بثمر نشستن کانون های بسیج جوانان و توجه به امر بسیج در حل بحران های شهری از مصادیق آن است. بعد از حادثه مشهد توجه مسئولین سپاه به بسیج نگاه دیگری شد. حتی آن موقع سردار رحیم صفوی به عنوان جانشین فرمانده کل حدود ۵-۶ هزار بسیجی را در مسجد مطهری جمع آوری کردند و در مدرسه های عالی شهید مطهری ایشان گفتند که آقا ما اعتراف می کنیم که شما را فراموش کردیم و حالا با شما کار داریم و به سراغ شما آمدیم بسیج در آن مقطع سرخورده شد که مسئولین سپاه از بسیج واقعاً غفلت داشتند.”

همچنین در سال ۷۲ به منظور انجام امور خدماتی و رفاهی به بسیجیان بنیاد تعاون بسیج آغاز کرد و خدمات علمی رزمندگان، تأسیس صندوق قرض الحسنه بسیجیان، مؤسسه فرهنگی - هنری از جمله تشکیلاتی است که فعالیت های خدماتی خود را آغاز نموده اند.

فعال شدن مشاورت های دانش آموزی، دانشجویی، خواهران، اداری و کارگری و... به مجموعه فعالیت های نیروی مقاومت بسیج در طی این سال ها کمک کرد. برای نمونه:

“ بدنبال رهنمود رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، مبنی به تشکیل نیروی مقاومت، بسیج دانش آموزی در مدارس شکل گرفت و پس تر فعالیت دانش آموزان بسیجی از مساجد و پایگاه های مقاومت محلی به مدارس تبدیل شدن تا در سنگر علم و دانش، از اصول انقلاب اسلامی و ارزش های دفاع مقدس حراست نمایند.

در سال ۷۲-۱۳۷۱ آئین نامه تشکیل بسیج دانش آموزی مورد موافقت وزیر آموزش و پرورش و فرمانده نیروی مقاومت قرار گرفت که در پی آن فعالیت های بسیج دانش آموزی در مدارس آغاز شد و صد هزار نوجوان دانش آموزی جذب بسیج دانش آموزی مدارس شدند. ” (در آمدی بر شناخت بسیج، ص ۱۶۵)

در واقع ۱۳۷۲ را می توان سال تحول علمی بسیج دانست که از سال قبل به تدریج آغاز شد و ادامه این تحول تا پایان این دوره یعنی در سال ۱۳۷۶ ادامه پیدا کرد.

در سال ۷۳، تقویت و توسعه گردان های عاشورا و الزهراء (س) ادامه پیدا کرد، کمسیون امر به معروف و نهی از منکر به قرار گاه مرکزی امر به معروف و نهی از منکر یا قرارگاه سید الشهداء ارتقاء پیدا کرد و استقلال خود را بدست آورد.

فعالیت های فرهنگی و تربیتی نیروی مقاومت در قالب مدیریت های مستقل و جدا از هم الف - مدیریت تربیت بدنی ب- مدیریت کانون های بسیج جوانان و ج- مرکز اردویی با تدبیر فرمانده نیروی مقاومت بسیج به منظور هم جهت کردن فعالیت ها و افزایش توان فرهنگی نیروی مقاومت، معاونت فرهنگی - پرورشی نیروی مقاومت در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

“ در سال ۷۳ پیشنهادی از سوی نیروی مقاومت بسیج به ستاد مشترک ارسال گردید و تصویب شد که معاونتی بنام فرهنگی - تربیتی تشکیل شود و در ستاد کل نیروی های مسلح مراحل خود را طی می نماید و به نیروی مقاومت در سال ۷۳ ابلاغ می گردد.

فعالیت های اجتماعی نیروی مقاومت نظیر ریشه کنی فلج اطفال ادامه پیدا کرد:

“ در سال ۱۳۷۳ در يك مرحله، بیش از ۳۶۵ هزار نفر از بسیجیان سازماندهی و آماده بکارگیری شده که بیش از ۳۲۷ هزار نفر آنان بکارگیری شده و توانستند در طی يك روز بالغ بر ۹ میلیون کودک، زیر ۵ سال را در طرح بسیج ملی ریشه کنی فلج اطفال تحت پوشش قرار دهد. این اقدام با دقت، سرعت، کیفیت و صرفه جویی زیادی همراه بوده است که توانست جمهوری اسلامی ایران و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را در عرصه بین الملل صاحب نام نماید. ” (آشنایی با بسیج، ص ۹۸)

از دیگر اقدامات همکاری با دولت و وزارتخانه ها، همکاری بسیج خواهران نیروی مقاومت با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که مسئولیت آموزش زنان جوان را بر عهده گرفت.

“ بسیج خواهران نیروی مقاومت توانسته است با بکارگیری خواهران بسیجی، طی هماهنگی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طی سال های ۱۳۷۳ الی ۷۷ بیش از يك میلیون و ششصد هزار نفر از زنان جوان را آموزش دهد. این آموزش در ۱۲ محور، در سطح شهر و روستا، با نظارت و هدایت وزارت بهداشت به انجام رسیده است. ”

حرکت اجتماعی آغاز شده از سال ۱۳۷۲ در سال های بعد استمرار یافت و تا سال ۱۳۷۶ توانسته است نگرش جدیدی در جامعه ایجاد کند که بسیج صرفاً حرکت نظامی و آمادگی دفاعی برای زمان جنگ و اضطرار نیست، بلکه در شرایط صلح می توان کارکرد های فرهنگی - اقتصادی، اجتماعی برای آن تصور کرد و بسیج در جمهوری اسلامی ایران این تصور را به تصدیق تبدیل کرد.

“ از نیمه این مقطع یعنی سال های ۷۴، ۷۵ به بعد کارکرد های فرهنگی بسیج، جای خود را به کارکرد های اجتماعی داد که در قالب همکاری با دولت و وزارتخانه ها اقدامات موثری به انجام رسید. در حقیقت اگر حرکت توده های میلیونی را در دوران انقلاب، بسیج سیاسی بنامیم و حضور بسیجیان در جنگ و دفاع مقدس را بسیج نظامی قلمداد نمایم، این مقطع عمر بسیج را می توان بسیج اجتماعی فرض کرد، زیرا فعالیت های اجتماعی بسیج هم از نظر تنوع، هم از نظر کمیت حضور و هم از جهت کار آمدی و بهره وری، به نحو مطلوب و شایسته عمل نمود. طرح های ملی و دراز مدت ریشه کنی فلج اطفال، آموزش بهداشت زنان جوان، سر شماری اماکن مذهبی، توزیع دفترچه درمانی روستائیان و... نمونه هایی از کارکرد های اجتماعی بسیجیان می باشد. ”

در سال ۷۵ اقدامات اساسی در نیروی مقاومت بسیج صورت گرفت که می توان تحول مجدد یا تحول دوباره بسیج نامگذاری کرد یعنی در این دوره (دوره پنجم) دو نقطه عطف دارد که نقطه عطف اول آن در آغاز دوره یعنی در سال ۷۲ و نقطه عطف دوم در پایان دوره یعنی سال ۷۵ اتفاق افتاده است و هر دو نقطه عطف منشأ تحول در نیروی مقاومت بسیج بوده است. تحول اول موجب تغییر نگرش در جامعه شده است و کارکرد فرهنگی - اجتماعی بسیج را نشان می دهد. در واقع می توان گفت بسیج هویت اصلی خود را در زمان صلح

بدست آورده است و تحول دوم موجب شده است نیروی مقاومت در جهت تحقق ارتش بیست میلیونی گام های اساسی بردارد.

در سال ۷۵ بنیاد تعاون بسیج با ۶ مؤسسه تابعه به تصویب مقام معظم رهبری می رسد و فعالیت آن جنبه الزامی و قانونی بخود می گیرد. معاونت فرهنگی - پرورشی فعالیت رسمی خود را آغاز می کند، طرح جهاد علمی و بسیج علمی بین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (دانشگاه امام حسین (ع))، و سازمان بسیج دانشجویی و وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی سابق، بهداشت و درمان، دانشگاه آزاد اسلامی به منظور تهیه متون و کتب درسی دانشگاه با استفاده از اساتید بسیجی به اجرا در می آید. قانون تشکیل بسیج دانش آموزی به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد. نمایشگاه بزرگ شجره طیبه بسیج در هفته بسیج برگزار می شود و مورد بازدید ریاست محترم جمهوری اسلامی و ستاد کل نیرو های مسلح جمهوری اسلامی ایران واقع می شود. طرح تحقق ارتش بیست میلیونی در نیروی مقاومت بسیج، به طور گسترده آغاز بکار می کند که اصول، مبانی و دکتزین ارتش بیست میلیونی تدوین می شود. طرح ولایت دانشجویی بصورت متمرکز در تعطیلات تابستان برگزار می شود.

طرح های گذشته نظیر ریشه کنی فلج اطفال، طرح تنظیم بهداشت خانواده، همکاری با وزارت بازرگانی در خصوص انجام بازرسی و کنترل قیمت ها تحت عنوان طرح "سازمان انصار" که در سال های ۷۴ و ۷۵ به اجرا در آمده است، طرح همکاری با نیروی زمینی در سال های ۷۴ و ۷۵ در انجام رزمایش به اجرا در آمده است:

"در انجام مانور و رزمایش صحرایی، اعضای بسیج به صورت غیر سازمان یافته، در اختیار نیروی زمینی سپاه قرار می گیرد تا توسط یگان ها (لشکر و تیپ ها) سازماندهی شده و با انجام مانور بکارگیری شوند. این وظیفه که بر گرفته از رهنمود فرماندهی معظم کل قوا است طی سال های ۷۴ و ۷۵ به اجرا در آمده است و در طی این دو سال، بیش از یکصد هزار نفر بسیجی، از سوی نیروی مقاومت در اختیار نیروی زمینی قرار داده شد، لشکر های نیروی زمینی علاوه بر سازماندهی اعضای بسیج آنان را برای انجام مانور شرکت داده و بسیجیان نیز در آموزش های یگانی حضور پیدا می کنند و پس از اتمام مأموریت، ارتباط با بسیجیان، کم و بیش حفظ می گردد."

دوره ششم عمر بسیج، از سال ۱۳۷۶ آغاز می شود، زمینه های این دوره را مسائل و موارد زیر بوجود آورده است:

الف - انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی در دوم خرداد و بروز جریان سیاسی اصلاح طلب و حاکمیت آن کشور که نیروی مقاومت در این انتخابات بدون مطالعه و برنامه ریزی صحیح وارد می شود که باعث کم رنگی نقش بسیج در جامعه می شود

ب- انتصاب فرمانده جدید کل سپاه و تأکید مقام معظم رهبری در مورد بسیج و نیز انتصاب جانشین فرمانده کل قوا و تأکید بر بسیج در حکم ایشان

ج- انتصاب فرمانده جدید نیروی مقاومت بسیج در اواخر سال ۱۳۷۶ و تغییر در مدیریت کلان این نیرو
د- به ثمر نشستن پروژه طرح تحقق ارتش بیست میلیونی و ایجاد نگرش نو و صحیح در سطح مسئولان سپاه و بسیج پیرامون ترکیب جمعیتی ارتش بیست میلیونی، توجه به اقشار موثر در بسیج، تدوین اصول و مبانی بسیج و توجه مضاعف و ویژه بسیج در بعد امکانات و اعتبارات.

دوره ششم بسیج را دوره چالش های نوین بسیج می نامیم. البته شاخصه های این دوره بسیار متمایز با دوره های گذشته است. زیرا اولاً در هیچ دوره ای از دوره های یاد شده، بسیج به اندازه دوره ششم که از ۱۳۷۶ آغاز می شود، مورد حمایت و پشتیبانی معنوی مقام معظم رهبری واقع نشده است.

ثانیاً در هیچ دوره ای، بسیج مثل این دوره مورد حمایت مادی و امکاناتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار نگرفته است.

ثالثاً در این دوره رویکردی جدید بوجود می آید که بسیج را در زمره مخالفین هیئت حاکمه (دولت و مجلس) قرار می دهد. اساس و مبنای رویکرد این است که بسیج نه تنها برای حفظ و صیانت انقلاب و کشور ضروری نمی نماید، بلکه مقابل اصلاحات قرار گرفته و در نتیجه بیشترین فشار و شدیدترین حملات به بسیج در این دوره شکل می گیرد. کارکرد های منفی ظهور و بروز می کند، کارکرد های مثبت نادیده گرفته می شود، عرصه فعالیت و همکاری با دولت محدود می شود.

ویژگی انحصاری این دوره ایجاد چالش عمیق بین حمایت های رهبری بسیج و تهدیدات ناشی از جریانات داخلی که به دنبال تضعیف بسیج بودند، می باشد. حمایت های مقام معظم رهبری از بسیج که از سال ۱۳۷۶ شروع شد اگر مورد تحلیل کمی و کیفی قرار گیرد، ثابت می شود که از نظر تکرار بیشترین فراوانی را طی این سال ها دارد و از نظر کیفیت حمایت، عمیق ترین تعابیر و ژرفا ترین معانی در مورد بسیج بکار برده شده است. از طرفی مطبوعات زنجیره ای، عوامل خارجی، مدیران کل و معاونین وزیر در برخی وزارتخانه ها و

نمایندگان مجلس از برخی جناح های طرفدار دولت، یا در برابر تهدیدات و آسیب های وارده به بسیج سکوت کرده اند و یا خود در جریان آسیب رسانی همگام شدند. این روند تا سال ۷۹ ادامه پیدا کرد.

از نظر درون سازمانی، نیروی مقاومت با برخورداری از فرمانده جدید، هیئت رئیسه و معاونین جدید، در پی ایجاد تحول و رشد کمی و کیفی بسیج حرکت کردند، در سال ۷۷ ماده واحده تشکیل بسیج دانشجویی در دانشگاه ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد، طرح تجهیز رده های مقاومت بسیج از این سال آغاز می شود، طرح حوزه محوری و پایگاه محوری به عنوان شعار سال انتخاب می شود، تشکیلات جذب و هدایت کمک های مردمی و امکانات ملی در نیروی مقاومت راه اندازی و توسعه می یابد.

در سال های ۷۷ و ۷۸ نقش نیروی مقاومت به ویژه گردان های عاشورا در کنترل و مهار بحران های اجتماعی و آشوب های سیاسی تبیین می شود و با حضور بسیجیان در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران، حضور بسیج در برقراری امنیت و آرام سازی شهر تهران، چالش های بوجود آمده از سال ۷۶ را پر می کند و از این سان تهدیدات و آسیب های وارده بر بسیج بسیار کم می شود.

در طی این مدت (دوره آسیب رسانی به بسیج) فعالیت های اقتصادی و سازندگی بسیج به شدت کاهش می یابد و طرح هایی که از گذشته در دست اجراء یا برنامه ریزی بوده است، تا حدی به دست فراموشی سپرده می شود.

در سال ۷۸ عنایت و توجه لازم به بسیج خواهران، بسیج دانش آموزی بسیج دانشجویی شد و هرکدام از این اقشار و رده ها به معاونت تبدیل شدند و به بسیج دانشجویی و دانش آموزی اجازه داده شد از نظر ساختاری، بجای معاونت، سازمان منظور گردد و اختیارات این دوره در ارتباط با امور بسیج، فرا تر از معاونت در نظر گرفته شده است.

پایان این دوره مصادف با نامگذاری سال جمهوری اسلامی ایران، به احترام امیر المومنین (ع) بوده است که با هشدار و انداز مقام معظم رهبری نسبت به فرماندهان سپاه و بسیج در راستای تحقق ارتش بیست میلیونی مواجه شد در ۱۳۷۹/۲/۱۷، شاید برای اولین بار، فرماندهان سپاه و بسیج از سوی دفتر مقام معظم رهبری فراخوانده می شوند و پیرامون امور بسیج تدابیر و رهنمود های لازم بهمراه جزئیات و موارد اجرایی ابلاغ می شود که پس از دو ماه طرح امیر المومنین (ع) در ۷۹/۴/۱۷ جهت تصویب به دفتر مقام معظم رهبری تسلیم می شود و از این تاریخ تا پایان این دوره محور فعالیت و برنامه ریزی بسیج طرح امیر المومنین (ع) قرار میگیرد که به توسعه کمی و کیفی بسیج، افزایش ظرفیت، افزایش توان اداره بسیج، کیفی سازی فعالیت های فرهنگی و رویکرد نوین به طرح تحقق ارتش بیست میلیونی می انجامد.

روند فوق تداوم می یابد تا اینکه در شرایط سیاسی کشور، دولت اصلاحات جای خود را به دولت اصول گرا می دهد و در داخل سپاه، طرح تحول و تعالی مطرح می گردد.

دوره هفتم عمر بسیج با اجرای طرح تحول و تعالی در سپاه آغاز می شود و تحت عنوان تقویت بسیج، ابتدا فرمانده کل سپاه فرماندهی نیروی مقاومت بسیج را بر عهده می گیرند و حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا طائب در سمت معاون فرمانده کل سپاه و جانشین ایشان در نیروی مقاومت انتخاب می شوند. مدت زیادی نمی گذرد که مجدداً طرح ادغام دو نیروی مقاومت بسیج و نیروی زمینی سپاه یا یکی شدن فرمانده آن ها مطرح می گردد و در نهایت به جایی منتهی می گردد که حاج آقا طائب به عنوان معاون فرماندهی کل سپاه و فرمانده نیروی مقاومت بسیج منصوب می شوند.

با این تغییر در رأس نیروی مقاومت بسیج، مناطق مقاومت بسیج در استان ها از زیر مجموعه نیروی مقاومت خارج می گردند و سپاه های استانی مرکب از مناطق مقاومت سابق و لشکر ها و تیپ های نیروی زمینی تشکیل می گردد و وظیفه نیروی مقاومت بسیج انجام کار ستادی برای بسیج و نواحی مقاومت تعریف می شود. سپاه های استانی عهده دار مسئولیت هر دو نیرو مقاومت و زمینی در استان ها می شوند و مستقیماً تحت فرماندهی فرمانده کل سپاه قرار می گیرند و نواحی مقاومت بسیج و رده های حوزه و پایگاه با همان ترکیب و وظایف در زیر مجموعه سپاه های استانی مبادرت به انجام وظایف بسیج می نمایند.

با شروع انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ و حوادث بعد از آن یکبار دیگر توجهات به سمت بسیج جلب می گردد. در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۲ سردار سرتیپ بسیجی محمدرضا نقدی با حکم فرمانده معظم کل قوا به سمت فرمانده بسیج منصوب می گردند و نام بسیج از «نیروی مقاومت بسیج» به «سازمان بسیج مستضعفین» تغییر پیدا می کند و متعاقب آن برخی تغییرات و رویکردها، ساختار و سازمان و وظایف آن پدید می آید که هم اکنون در حال اجراء است. امید است با این تغییرات بسیج بتواند به جایگاه شایسته نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نائل آید.

سایت: www.Basij.ir